

سپیده دم فرهنگ آریایی در ایران

غلام حسین صدری افشار

باستان‌شناسان از کاوش‌ها و کشف‌هایشان بدین نتیجه رسیده‌اند که اقوام هند و ایرانی در حدود سدهزار و دویست سال پیش از آسیای میانه به سوی جنوب کوچیده‌اند و در هند و ایران به پیشروی پرداخته‌اند. آریاییان ایرانی نخست در شمال‌خاوری ایران شهریاری. هایی پدید آورده‌اند و رفته رفته راه پیشرفت خود را به درون فلات ایران هموار ساخته‌اند. بی‌گمان ایرانیان آریایی در آغاز درآمدنشان به ایران با فرهنگ و مدنیتی والاتر از آنچه خود داشتند، روبرو شدند. این شبانان و رمداران سلحشور، که در پی چراگاه و بنه‌گاه بودند، به مردمان اسکان یافته‌ای برخوردند که از خود خانه‌ها، کاخ‌ها و شهرها داشتند. تازه درآمدگان گرچه در آغاز کار نه با صلح و آشنایی با بومیان روبرو شدند، ولی دیری نگذشت که در خانه تازه‌شان، از خانه خدایان پیشین و بندگان و یاران امروزمین خود چیزهای بسیار آموختند.

اقوام آریایی با خود فنون جنگی، گردونه‌ها و اسبان‌شان را می‌آوردند، و شوق پیشرفت و پیروزی را؛ ولی بومیان چنان انگیزه‌های نیرومند برای پیشرفت نداشتند؛ آنان دیگر به کشاورزی و رمداری خو گرفته بودند؛ کوشش‌های دیرینشان برای یگانگی و کشورگشایی شکست یافته بود؛ شهرها، قلعه‌ها و معبد‌هایشان پیاپی دستخوش ویرانی و تاراج شده بود و بسا بزرگان‌شان را به اسیری برده بودند. شواهد تاریخی نشان می‌دهد آریاییان همین که در مغرب و جنوب ایران مستقر شده‌اند، به ایجاد قلعه‌ها، کاخ‌ها و شهرها همت گماشته‌اند و همراه با این کار دولت‌هایی را پی افکندند. نخستین بار در سال ۸۳۶ پیش از میلاد است که در نوشته‌های آشوری نام ماد به میان می‌آید. البته در آن هنگام ماد به یک سرزمین اطلاق می‌شد، یا به مجموعه‌ای از قبایل مختلف که در یک سرزمین معین به سر می‌بردند. هنوز بیشتر طوایف این سرزمین از بومیان غیر آریایی بودند که از مشرق مادهای آریایی، از جنوب شرقی پارس‌ها، و از شمال ساکها آنان را در میان می‌گرفتند، و کم‌کم پیش می‌آمدند.

پیامبر تمدن

اشاره کوتاهی به دین زرتشت از آن رو ناگزیر است، که بدون توجه بدان نمی‌توان

درباره ساختمان فرهنگی ایران باستان داوری کرد. دین زرتشت برای زمان درازی زیربنای فکری ایرانیان را می ساخته و سرچشمه آرمان و اخلاق ایرانی بوده است. در مدت سه هزارسالی که از پیدایش این آیین کهن می گذرد، رویدادهای تاریخی فراوان بارها آتش در آن افکنده و بنیانش را لرزانده است. ازینرو، آنچه امروز از زرتشت و از اوستا می دانیم بسیار اندک است و درباره بیشتر آنچه گفته می شود یقین نیست، و برعکس بحث و گفتگو بسیار است. پس، جز درباره روشن ترین جنبه ها نباید چیزی گفت: زرتشت یا زردشت، که نامش در اوستا به صورت زره توشتره Zaratushtra آمده، فرزند پوروشسب Purushasp از خاندان سپیتمه Spitma بوده است. او در زمان شهرسازی گشتاسب (ویشتاسب) بر خوارزم (بلخ؟) می زیسته. زرتشت درسی سالگی به پیامبری برگزیده می شود و درچهل سالگی به تبلیغ دین نو برمی خیزد. گشتاسب آنرا می پذیرد و به ترویج آن می پردازد. زرتشت در سن پیری (۷۷ سالگی) بر اثر حمله تورانیان

یا در...
 در...
 که...
 در...
 که...
 در...
 که...
 در...
 که...
 در...
 که...

نمونه ای از خط اوستا یا «دین دبیره». برگی از «وستا»

به بلخ گشته می‌شود. همچنین می‌دانیم که زرتشت ازدواج کرده بود و دختری داشت. درباره زادگاه و زمان زندگی زرتشت اختلاف بسیار زیادی وجود دارد. بسیاری بر آن شده‌اند که زرتشت از قبیله مغان و از مردم ری بوده، در ۶۲۸ پیش از میلاد مسیح زاده شده و در ۵۵۸ در گذشته است. او در ری به خاطر دین خود مورد تعقیب پیشوایان دین کهن قرار گرفته و ناگزیر به خوارزم رفته. و از قبول و پشتیبانی شهریار خوارزم برخوردار شده است. اما گروهی هم با استناد به نام جاها و اشخاصی که در اوستا آمده عقیده دارند که پیدایش زرتشت پس از جدایی بزرگ هندیان و ایرانیان و پیش از پیدایش دولت ماد، یعنی در حوالی سال ۱۰۰۰ پیش از میلاد بوده است. مخصوصاً روی این نکته تأکید می‌کنند که اوستا به یکی از زبان‌های ایران خاوری نوشته شده.

کتاب دینی زرتشت اوستا Avesta نام دارد و در پنج بخش است: یسنا Yasna (شامل گاهان)، یشت‌ها Yasht، خرده اوستا، وندیداد Vandidad، ویسپرد Visprad. دانشمندان تنها گاهان را از خود زرتشت می‌دانند، و عقیده دارند باقی بخش‌های اوستا در زمان‌های بعدی به وسیله اشخاص مختلف تدوین شده است.

گفته می‌شود اوستایی که اکنون در دست ماست تنها يك پتجم اوستای روزگار ساسانی را دربر دارد، و آن هم پس از چندین بار پراکنده شدن و از نو گردآوردن به ما رسیده است.

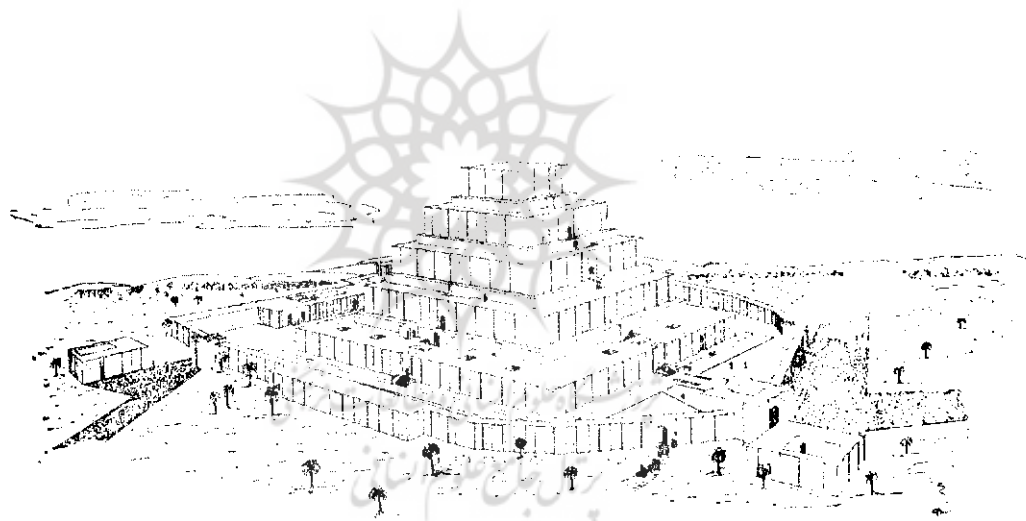
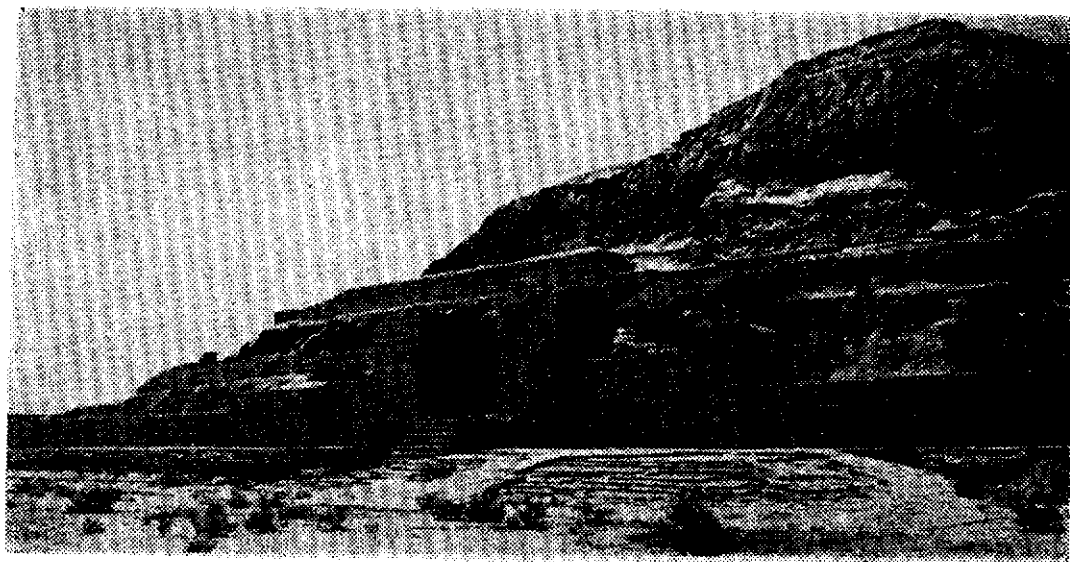
پیام زرتشت

در این جا نمی‌خواهیم دین زرتشتی و کتاب‌های دینی آن را یکایک معرفی کنیم، و تنها اشاره به جو و هسته آیین زرتشت را برای منظور خود کافی می‌دانیم.

دین زرتشت يك دین ایرانی و يك آرمان ملی در آستانه شکوفایی است. در آن، همچنان که وحدت ملی و زمینی يك نیاز و آرزو است، وحدت آسمانی يك اصل است. خداوند آفریدگار یکی است، که به یاری نیروهای خوب و آفریدگان پارسای خویش با بدی و آفریدگار بدی‌ها نبرد می‌کند. دینداری و پارسایی جز انجام وظیفه نیست: موبد باید عبادت کند و آیین بهی را به مردم بیاموزد؛ شاه باید دادگر و نیرومند باشد و با دشمنان ایران بجنگد؛ کشاورز باید درخت بکارد و زمین را شخم بزند؛ مورو مار و کژدم و جانداران زیان‌آور را باید کشت؛ گاو و اسب و سگ را باید گرامی شمرد. آن که درخت می‌کارد و رمه می‌پرورد مزدپرست و پارسا است؛ و آن که بیابان گرد است، گاوها را می‌کشد و کشتزارها را تباہ می‌کند دیو پرست است.

زرتشت می‌گوید:

راستی و منش نیک و شهریاری کجاست؟
هان ای مردم، مرا بیدیرد و آیین بزرگ مرا دریا بید نامش



زیگورات چغازنبیل در نزدیکی شوش

مربوط به ۱۲۵۰ سال پیش از میلاد مسیح از بناهای عیلامی.

این بنا ۵۰ متر بلندی و بیش از ۳۵۰ متر مربع مساحت دارد و دراصل از پنج بنای متحدالمرکز تشکیل می‌شود، که داخلی‌ترین و بلندترین آن ۳۵ متر مربع مساحت و ۵۰ متر ارتفاع داشته است. این بنا دارای چهار دروازه هر کدام به بلندی ۸ متر بود. این دروازه‌ها به مجموعه‌ای از اطاق‌ها، آرام‌گاه‌ها، دالان‌ها، آبگذرها و انبارها منتهی می‌شد.

نیک و شهریاری به شما روی آورد.
ای مزدا،
منم که با پرستش تو نافرمانی و بدمشی از دل‌ها بزدایم
و آزاده را از چنگ خیره سوان
و کشاورز را از همسایگان دروغ پرست
و پیشوا را از نکوهندگان و سرزنش‌گران
و چمن چارپایان و کشتزار را از دست گماشتگان بیدادگر و
نابکار برهانم.

در چشم زرتشت، انسان بنده سرنوشت یا نیروهای آن جهانی نیست، او آزاد است که راه خود را برگزیند. اگر او به سپاه اهورامزدا پیوندد و در جامعهٔ مزدایی کار خود را خوب انجام دهد، از یساری مزدا بهره‌مند خواهد شد و زندگی دراز، فرزندان برومند، رمة فراوان و کشتزار بارور خواهد داشت، برعکس، اگر دیو پرست و اهریمنی باشد، نباید امیدی داشته باشد. باید او را نابود کرد و به‌دوزخ فرستاد، تا نیروی اهریمن کاهش یابد و مزدا پرستان نیرومند شوند.

بدین‌سان، زرتشت با آیین خود ایرانیان آریایی را به یکانگی، کشاورزی، نیرومند ساختن کشور و جنگ با دیو پرستان فراخواند و راه پیشرفت‌های بعدی آنان را هموار ساخت.

مرزهای دین زرتشت

هیچ سندی در دست نیست تا وجود آیین زرتشت را در میان مادها ثابت کند؛ جز اینکه می‌دانیم زمانی پیشوایان دین زرتشتی رامغ می‌خواندند و مغان یکی از قبیله‌های ماد بودند. اما این دلیل نمی‌شود که حتماً در دوران پادشاهی سلسلهٔ ماد هم مغان زرتشتی بوده‌اند.

دربارهٔ زرتشتی بودن نخستین شاهنشاهان هخامنشی هم سندی در دست نیست. برخی از دانشمندان عقیده دارند که اردشیر اول هخامنشی (۴۶۵-۴۲۵ پیش از میلاد) دین زرتشت را پذیرفت و تقویم زرتشتی را در شاهنشاهی خویش متداول ساخت.

بنا بر روایت‌های زرتشتی در روزگار هخامنشیان اوستا را بر دوازده هزار پوست گاو با آب زر نوشته و در گنجینهٔ استخر نهاده بودند، که به فرمان اسکندر سوزانده شد.

گفته می‌شود بلاش اول (یا سوم؟) اشکانی بار دیگر اوستا را گرد آورد. از زمان اردشیر بابکان (۲۲۶ میلادی) زرتشتی دین رسمی ایرانیان شد و پیشوایان این دین رفته رفته نیروی زیادی به‌دست آوردند و بسا هنگام به آزار پیروان دین‌های دیگر پرداختند. با وجود دین‌های میترایی، بودایی و مسیحی، و پیدایش

دو دین تازه؛ مانوی و مزدکی، دین زرتشتی تا پایان شاهنشاهی ساسانیان یعنی مدت چهارصدسال دین رسمی ایران بود.

این را هم باید گفت که چون در این دوره مردم و حتی بیشتر پیشوایان دینی زبان اوستا را نمی‌فهمیدند، برای آن تفسیری به زبان فارسی میانه نوشته شده بود به نام زند. از سوی دیگر با گسترش مرزهای دین زرتشت تدریجاً عناصر دیگر، از جمله خدایان باستانی آریایی در آن داخل شدند و به صورت دستیاران اهورامزدا درآمدند.

شاهنشاهی ماد

گفتیم که مهاجران آریایی با پیشرفت خود در باختر ایران با قبیله‌های بومی ایران هم‌دست می‌شوند و شهریارها و اتحادیه‌هایی پدید می‌آورند. تا جایی که از اسناد تاریخی برمی‌آید، این کار به آسانی صورت نمی‌گیرد و ایرانیان بارها در برابر مهاجمان شکست می‌خورند، تا سرانجام تجربه و نیروی لازم را به دست می‌آورند. نخستین پادشاهی ماد در حدود سال ۷۴۸ پیش از میلاد (تاریخی که چندان دقیق نیست) به وسیله شخصی به نام دیائوکو (هوخشتره Hwakhshathra) در آذربایجان، و در جایی نزدیک میانه امروزی پدید می‌آید. اما اندکی بعد آشوریان به قلمرو این دولت نوبنیاد می‌ریزند و شاه تازه را اسیر می‌کنند و به سوریه می‌فرستند (۷۱۵ پیش از میلاد).

سی و دو سال بعد، یعنی در ۶۷۳ پیش از میلاد یکی دیگر از ساکنان ماد به نام فرورتیش Fravartish یا خشتریه Khashtaritha رهبری قیام بر ضد آشور را به دست گرفت. گویند او پسر یا نوه دیائوکو بوده، ولی این مطلب مسلم نیست. او شهر کهن کارکاسی را پایتخت خود کرد، جایی که بعدها هگمتانه، اکباتان، و همدان نامیده شد. این بار آشور وضع خود را در خطر دید و باسکاها، که ساکنان شمال باختری ایران بودند، متحد شد و آنان را به گشودن سرزمین ماد تشویق کرد. سکاها به ایران تاختند و مدت ۲۸ سال بر بخشی از آن فرمان راندند تا آنکه هوخشتره (یا کیاکسار Cyaxar) آنان را بیرون راند و به یاری دولت بابل، آشور را گشود و پس از آن دیگر آشور هرگز قدر راست نکرد (۶۱۰ پیش از میلاد).

پارس

در همین هنگام، یکی دیگر از اقوام ایرانی به نام پارس در ناحیه جنوبی‌تر پیشرفت، نخست در پارس، شهریار کوچکی پدید آورد و سپس خوزستان را گشود. هنگامی که این شهریار نیرومند شد، پادشاه ماد توانست آن را به صورت متحد خود درآورد، و این اتحاد تا هنگامی که ششمین شهریار پارس بر سراسر قلمرو شاهنشاهی ماد دست یافت، همچنان ادامه داشت (۵۵۰ پیش از میلاد).

جامعه و فرهنگ ماد

نظام جامعه ماد بر اساس پدر سالاری شهرياران كوچك اداره مي‌شد؛ اقتصاد در مرحله كشاورزي و گله‌داري بود؛ مصنوعات فلزي، مواد اسلحه باشد يا زينت آلات، بازار گرمي داشت؛ آهن تازه شناخته شده بود، ولي مس و مفرغ و سيم و زر ولاجورد بيشتر داد و ستد مي‌شد.

بر اثر افزايش ثروت و جمعيت و لزوم دفاع از آن‌ها، كار قلعه سازي پيشرفت بسزايي داشت؛ حال آن كه همين‌ها آشوريان را به لشكر كشي‌هاي پيايي بيشتر تحريص مي‌کرد. شكست پيايي شهرياران خرده‌پا و تاراج و كشتار مردم از يك سو، و انگيزه پيشرفت و برترتي جوئي ماده‌هاي آريايي از سوي ديگر، سرانجام اتحاديه‌اي را به وجود آورد كه حوادث سهمگيني را پشت سر نهاده و سيماي مرزهاي باخترتي خود را عوض كرد؛ زيرا اگر اين مرزها پيش از اين براي بردن غنايم و اسيران جنگي از سرزمين ماد بود، اينك به گذرگاه مبادلات فرهنگي تبديل شد. از آن هنگام نهضتي آغاز شد كه تا به امروز دوام يافته است، و با پيدايش اين نهضت آن چنان مبادله و داد و ستدي در عرصه دانش و فرهنگ روي داده، كه گاه نخستين سازندگان كالابي را به هيچ روي نمي‌توان باز شناخت. در آن هنگام مي‌بينيم كه كلدانيان به داروگري معروفند، و مغان به اخترشناسي. در اين ميان دو چيز شگفت آور است. نظام دولتي ماد و نقش مغان.

فرمانروايان دولت ماد براي نخستين بار در بخش بزرگي از ايران دولتي استوار بنيان نهادند و امنيت را در داخل و خارج مرزهاي كشورمان پديد آوردند. پايتخت و درباري آن چنان با شكوه ساختند و تشريفات درباري و قوانين دولتي عالم گير را عرضه كردند، چندان كه به زودي شهرت اين همه در جهان پيچيد و سرمشق آيندگان شد.

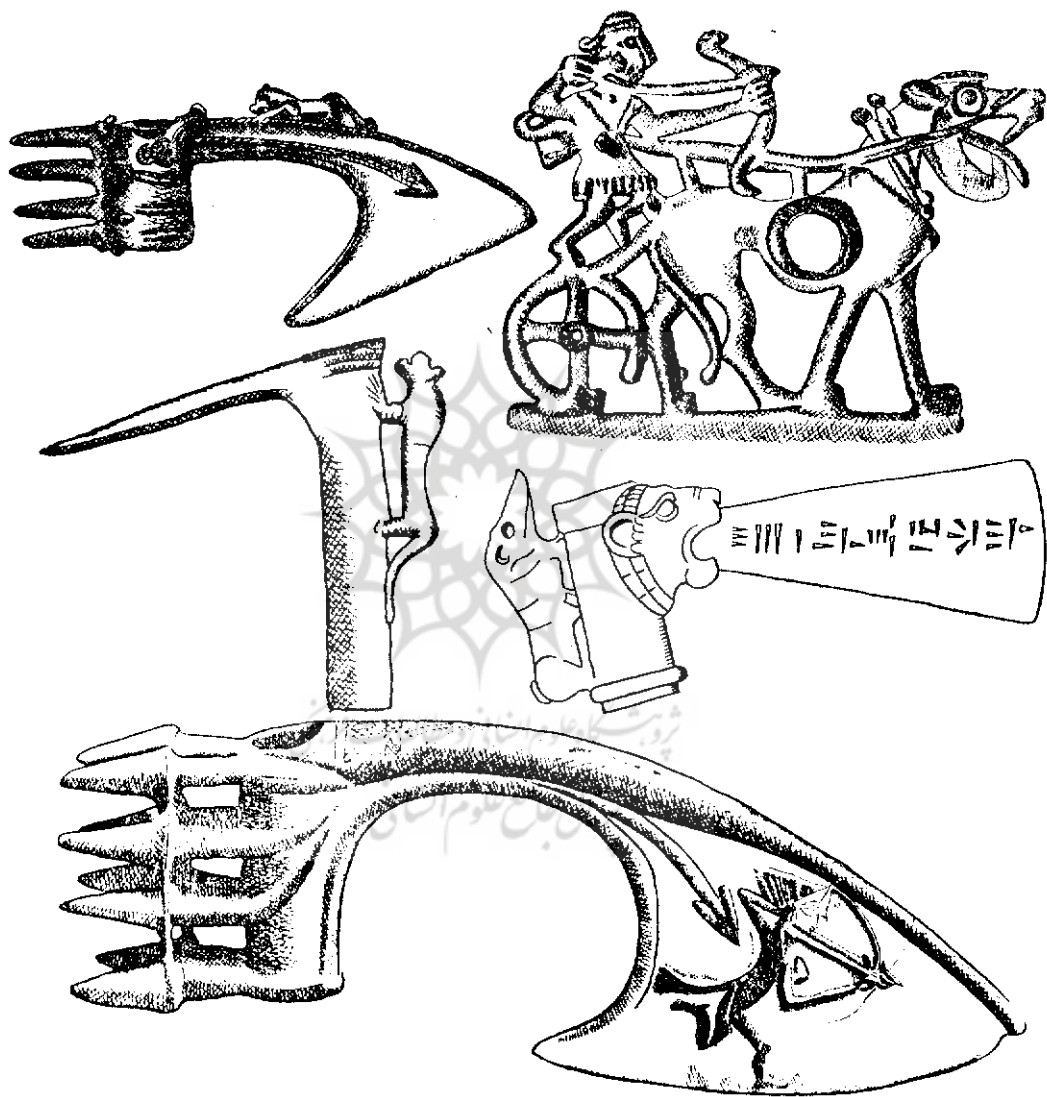
مغان

حال بدین پرسش می‌رسیم که مغان چه نقشی در جامعه ایران باستان داشته‌اند. ظاهراً مغان یکی از هفت قبیله مادها بوده‌اند، و مسکنشان در حوالی ری بوده است. مغان هم در دربار ماد، هم پس از آن در دربار پارس کار اداره امور مذهبی را عهده‌دار بوده‌اند. از آن جا که در آن روزگار، در هیچ کشوری میان علم و خرافات، اخترشناسی و زاپچه‌بینی، جادوگری و پزشکی فاصله مشخصی نبود، در ایران، مغان این همه را در اختیار داشتند و دین و دانش بنا بر آیین موروثی بودن مشاغل در انحصار افراد این قبیله بود.

ظاهراً مغان در حفظ اسرار آیین خویش و جلوگیری از رسیدن آن به دست بیگانگان کوشا بوده‌اند و اغیار حق شرکت در مراسم مذهبی و حضور در آتشکده مغان را نداشته‌اند؛

چون، در هیچ کدام از نوشته‌های بیگانگان، که به جای مانده، گزارش دربارۀ اینان دیده نمی‌شود. با این حال اشتهار بیش از حد مغان در اخترشناسی و جادوگری را بی‌پایه نمی‌توان دانست.

گرچه ظاهراً هیچ نوشته تاریخی از روزگار مادها به دست مانرسیده است، محققان عقیده دارند خط پارسی باستان يك میراث مادی است، نخست در میان مادها تکامل یافته،



ابزار مفرغی از غرب ایران
مربوط به هزاره اول پیش از میلاد

و مستقیماً از آرامی گرفته نشده است.

آثار به دست آمده در زیویه کردستان نمونه‌ای از صنعت فلزکاری مادها را نشان می‌دهد. از لوحه کاخ آپادانا هم پیداست که مادها در زمان خود در فلزکاری، جواهر-سازی و سنگ‌تراشی شهرت داشتند. مورخان باستان از شکوه و جلال جامه‌های مادی سخن گفته‌اند. مادها در ساختن دژهای استوار استادی بسیار به دست آورده بودند و آثار این دژها در جاهای مختلف به دست آمده است. هم‌چنین نمونه‌هایی از آرامگاه‌های مادی که در صخره‌های دل‌کوه کنده شده امروز به دکان داود و دخمه فرهاد شهرت دارد. مورخان از شکوه هگمتانه پایتخت مادها سخن گفته‌اند و این که این شهر هفت بار و به هفت‌رنگ داشته است. هنوز کاوش‌های علمی خوبی در همدان صورت نگرفته، و از سوی دیگر، این شهر هم‌چنان از روزگار قدیم تاکنون مسکون بوده و بدین سبب آثار باستانی در زیر خانه‌های مسکونی مانده است. در چند سال گذشته بخشی را که به تپه هگمتانه معروف است و ظاهراً ارگ شهر باستانی بوده تخلیه کرده و برای کاوش‌های باستان‌شناسی آماده ساخته‌اند.

با این‌همه، حتی اگر بر مبنای قراین موجود داوری شود. سهم ایرانیان مادی در پی‌ریزی ساختمان فرهنگی خاورمیانه چشم‌گیر بوده است، از جمله این که زمینه را برای پیدایش شاهنشاهی هخامنشی آماده کردند.

گاه‌شناسی

حدود ۱۲۰۰-۷۰۰ پیش از میلاد. کوچیدن ایرانیان آریایی به درون فلات ایران و استقرار در ایران باختری.

| | |
|-----------|--|
| » ۷۱۵-۷۴۸ | » پادشاهی دیائوکو در ماد |
| » ۶۷۳-۷۱۵ | » حمله آشور و دوره تاریک. |
| » ۶۵۲-۶۷۳ | » پادشاهی خشریته در ماد. پادشاهی هخامنش در فارس(?) |
| » ۶۲۵-۶۵۲ | » حمله سکاها و دوره تاریک. |
| » ۵۸۵-۶۳۵ | » پادشاهی هوخشره (کیاکسار). بیرون راندن سکایان. گشودن نینوا. مطیع کردن پارس. |
| » ۵۵۰-۵۸۵ | » پادشاهی آستیاگ. |
| » ۵۵۰ | » گشودن ماد به دست کوروش و آغاز شاهنشاهی هخامنشیان. |

دربارهٔ زرتشت، زمان زندگی و آیین او کتاب‌های بسیاری به فارسی نوشته یا از زبان‌های دیگر ترجمه شده است. از این میان، برای آشنایی با اوستا ساده‌ترین کتاب عبارت است از: **اوستا نامه مهنوی آیین زرتشت**، نگارش جنیل دوستخواه، از گزارش ابراهیم پورداود، تهران، انتشارات مروارید. برای آشنایی کوتاه با دین زرتشت نگاه کنید به **ایران باستان**، نوشتهٔ م. موله ترجمهٔ ژاله آموزگار، تهران، انتشارات دانشگاه تهران. **زرتشت، سیاستمدار یا جادوگر**، نوشتهٔ هنینگ، ترجمهٔ کامران‌خانی، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۵۸؛ **دین‌های ایران باستان**، نوشتهٔ نیبرگ، ترجمهٔ سیف‌الدین نجم‌آبادی، تهران، مرکز ایرانی مطالعهٔ فرهنگ‌ها، ۱۳۵۹؛ **دیانت زرتشتی**، ترجمهٔ - فریدون وهمن، از انتشارات بنیاد فرهنگ ایران؛

شادروان ابراهیم پور داود تمام اوستا را ترجمه کرده و بسیاری از مطالب آن‌را توضیح داده است. این ترجمه‌ها عبارت است از: **گات‌ها، یسنا، یشت‌ها، وندیداد، و سپرد، خرده اوستا**.

برای آگاهی از دیگر کتاب‌های دینی زرتشتی نگاه کنید به **ادبیات پهلوی**، ازج، تا وادیا، ترجمهٔ نجم‌آبادی، انتشارات دانشگاه تهران.
برای تاریخ این‌روزگار نگاه کنید به **تاریخ هاد**، دیا کونف، ترجمهٔ کریم کشاورز، از انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی